

سرنوشت سیاسی تشیع که پس از واقعه کربلا عمیقاً اندوهبار شده بود در هاله‌ای از تقیه و تامل فرو رفت و به‌ویژه در عصر غیبت با هول و هراس‌های بسیاری درآمیخت تا آنجا که کار فلسفه و فقه سیاسی شیعه به اجمال و اهمال و مهجوریت کشید و یکی از عمیق‌ترین و اساسی‌ترین عرصه‌های علمی و عملی اسلام در گرداب حوادث روزگار مورد غفلت و کوتاهی قرار گرفت. حتی ظهور حکومت‌های شیعه مذهبی چون صفویه نیز نتوانست فقه و فلسفه سیاسی شیعه را تمام قامت بر پا دارد و ملاحظات بسیاری بر سیره سیاسی زعمای شیعه سایه گسترد. اما به هر حال ایجاد تحولات بزرگ در اندیشه سیاسی شیعه معمولاً معطوف به تحقق و عمل بوده و تندی‌ها و کندی‌های شئون و مباحثات اندیشه سیاسی در بوته عمل بازشناسی و اصلاح گردیده است.

گذار از اندیشه سیاسی حضرت امام(ره) از اصلاحات به انقلابات بزرگ و اساسی و برانداختن طرحی نو برای فلسفه سیاسی اسلام معطوف به همان زمینه‌های علمی و واقعیت‌های روزگار است. در مقایسه‌ای تطبیقی میان اندیشه و فعل سیاسی مرحوم محقق سبزواری(ره) در تعامل با دستگاه سلطنت شاه‌عباس صفوی و اندیشه و روش سیاسی حضرت امام(ره) در قبال سلطنت پهلوی نکته و آموزه‌های فراوانی وجود دارد که محقق اندیشه سیاسی اسلام را مفید و رغبت‌انگیز خواهد بود. امید است با مطالعه مقاله ذیل این مقصود فراهم گردد.

تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی از سه منظر قابل بررسی است:

الف) اندیشه سیاسی سلطه‌جویانه

ب) اندیشه سیاسی اصلاحی

ج) اندیشه سیاسی انقلابی

الف) اندیشه سیاسی سلطه‌جویانه: این اندیشه‌ای در صدد حفظ وضع موجود است. محور اساسی این نظریه جمله مشهور «الحق لمن غلب» می‌باشد. این اندیشه هیچ‌گونه توجهی به آسیب‌شناسی نظام سیاسی ندارد، چرا که اندیشمندان، نظام سیاسی را در هر شکلی می‌پذیرد. کم نیستند اندیشمندانی که استبداد و سلطنت را، در عالم اسلام و جهان غیراسلام نهادینه کرده‌اند. برای مثال عالم بزرگ اهل سنت، فضل الله بن روزبهان خنجی، در کتاب مشهور خود به نام «سلوک الملوک»، در بحث حکومت‌های مشروع، حکومتی را که از طریق استیلا، قهر، شوکت و غلبه به وجود آمده باشد، حکومتی دینی می‌داند:



«و طرق انعقاد امامت چهار است: اول، اجماع مسلمانان بر امامت او و بیعت اهل حل و عقد از علما، قضات و روسا [...] طریق دوم، استخلاف امام سابق، کسی را که شرایط امام در او جمع شده باشد [...] سوم از طرق انعقاد امامت، شوری است [...] طریق چهارم از اسباب انعقاد پادشاهی، امامت، استیلا و شوکت است. علما گفته‌اند که چون امام وفات کند و شخصی متصدی امامت گردد، بی‌بیعتی و بی‌آن که کسی او را خلیفه ساخته باشد و مردمان را قهر کند به شوکت و لشکر، امامت او منعقد می‌گردد، خواه قریب‌نمی‌باشد، خواه نه و خواه عرب باشد یا عجم یا ترک و خواه مستجمع شرایط باشد و خواه فاسق و جاهل و اگر چه آن مستولی بدین فعل عاصی می‌گردد و چون به واسطه سطوت و استیلا جای امام گرفته، او را سلطان گویند و امام و خلیفه بر او اطلاق توان کرد.»¹

از نظر نویسندگان «سلوک الملوک» بر حاکم فاسق، جاهل، مستجمع شرایط، عاصی و... می‌توان «امام» و «خلیفه» اطلاق کرد؛ زیرا شوکت و لشکر باعث قدرت و مقبولیت حاکم می‌شود. روشن است که اگر متفکری چنین نظریه‌ای را بپذیرد، هیچ‌گاه به آسیب‌شناسی نظام سیاسی و ارائه نظریات مخالف رو نمی‌آورد، زیرا اعتقادی به آسیب ندارد که بخواهد او را بشناسد یا بشناساند. البته حکومت‌های استبدادی و سلطه جویانه نیز چیزی جز تعریف و تمجید نمی‌خواهند.

ب) اندیشه سیاسی اصلاحی: اندیشه‌ای است که با توجه به شرایط زمان، مکان، امکانات و مقتضیات دیگری که از آنها به «واقعیت‌های موجود» تعبیر می‌شود، با پوشش‌نشی تقیه گونه، پیشنهادهایی به منظور اصلاح و بهبود نسبی امور ارائه می‌دهد؛ در حالی که از اصول و ارزش‌های اساسی خود عقب‌نشینی نمی‌کند و اگر شرایط مساعد باشد پیشنهادهای بیشتری را مطرح می‌کند.

در میان عالمان شیعی شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی اندیشه‌های سیاسی اصلاحی دارند؛ بنابراین اقدامات علمی و عملی این متفکران براساس شرایط زمان آنها بوده است. در شیوه این دسته از علما، تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام در قالب بیانی که نشانگر مصالحه با سلطنت و نه مشروعیت بخشیدن به آن باشد، وجود دارد؛ شبیه آنچه علامه نائینی درخصوص سلطنت مشروطه، به کمک اصولی چون عمل به «قدر مقدر» و «دفع افسد به فاسد» مطرح نمود. بدیهی است بر این نوع اندیشه اصولی مانند ضرورت حکومت، تقدیم اهم بر مهم، عدالت اجتماعی، تکلیف، رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، نفی سبیل و... تأثیرگذار می‌باشند، به ویژه اصل «اجتهاد» که در حقیقت، جهت دهنده تمامی این اصول است.

اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و به تبع آن اقدامات سیاسی ایشان، در مقطعی از تاریخ، اصلاحی است. فرازهایی از کتاب «کشف الاسرار»، بیانگر تحلیل ما از اندیشه سیاسی اصلاحی علمای شیعه می‌باشد:

«ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی تا کنون نگفته و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم یا سلطنت حق ما است. آری، همان طور که ما بیان کردیم، اگر سلطنتی و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که خوب است و مطابق مصالح کشور و مردم است. البته تشکیلاتی که بر اساس احکام خدا و عدل الهی تاسیس شود، بهترین تشکیلات است، لکن اکنون که آن را از آنها نمی‌پذیرند، اینها هم با این نیمه تشکیلات هیچ گاه مخالفت نکرده و نخواستند اساس حکومت را بر هم بزنند و اگر گاهی هم با شخص سلطانی مخالفت کردند، مخالفت با همان شخص بوده، از باب آن که بودن او را مخالف صلاح کشور تشخیص دادند، وگرنه با اصل اساس سلطنت تا کنون از این طبقه مخالفتی ابراز نشده [است]... مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند.»²

نکته اساسی در تفکر و اندیشه سیاسی مجتهدین همین عبارت می‌باشد:

«مجتهدین همیشه خیر و صلاح کشور را بیش از همه می‌خواهند» و طبیعی است که پیشنهاد امام(ره) باید در همین فضا درک شود وگرنه تفاسیر دیگر، در مقام «بما لایرضی صاحبه» خواهد بود.

تفسیر حضرت امام(ره) درباره رفتار و عمل سیاسی ائمه(ع) نیز مشابه تفسیر ایشان از رفتار سیاسی علما و مجتهدین است. از نظر وی همکاری ائمه(ع) با حاکمان جور، غیرمشروع و غاصب، با هدف خیر و صلاح مسلمین بوده است و این به معنای تایید حکومت‌های جور و نفی قیام برای برپایی حکومت حق نمی‌باشد. در این خصوص مطالب زیر قابل تأمل است:

«اکنون اگر کسی تکذیب کند از وضع یک حکومتی که این حکومت‌ها، جائزانه است و کسی هم تا زمان دولت حق نمی‌تواند آنها را اصلاح کند، چه ربط دارد به این که حکومت عادلانه نباید تشکیل داد؟ بلکه اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می‌بیند که همیشه امامان شیعه با آن که حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آنها آن طورها که می‌دانید سلوک می‌کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه جور، باز شیعیان علی(ع) پیش‌قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلامی شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که یا به دست شیعیان علی(ع) یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده. شما همه می‌دانید که سلطنت بنی‌امیه در اسلام، بدترین و ظالمانه‌ترین سلطنت‌ها بوده و دشمنی و رفتارشان را با آل پیغمبر(ص) و فرزندان علی بن ابی طالب(ع) همه می‌دانند و در میان همه بنی هاشم بدسلوکی و ظلمشان به علی بن الحسین زین‌العابدین(ع) بیشتر و بالاتر بود. به همین سلطنت وحشیانه جائزانه، ببینید علی بن الحسین(ع) چقدر اظهار علاقه می‌کند. در کتاب صحیفه سجاده می‌گوید:

«اللهم صل علی محمد و آلہ و حصن ثغور المسلمین بعزتک و أید حماتها بقوتک و اسبق عطایا هم من جدتک [...] تا آخر این دعا که قریب هشت صفحه است.»³

اصل مهم در رفتار سیاسی ائمه(ع) و مجتهدین، حفظ کشور اسلامی است. با این وصف حضرت امام(ره) تنها به گفتمان اصلاح نمی‌پردازد، بلکه دست از این همکاری مصلحت‌اندیشانه برمی‌دارد و حفظ کشور اسلامی را در گرو حرکتی جدید، با عنوان انقلاب، نفی رژیم سلطنتی و تاسیس حکومت اسلامی معنا می‌کند. از این رو نوشتار حاضر تأکید اساسی بر اندیشه انقلابی امام(ره) و آسیب‌شناسی انقلابی ایشان دارد. در واقع، تحول مهم تاریخ اندیشه سیاسی شیعه انتقال از «تفکر اصلاحی» به «تفکر انقلابی» است. که امام خمینی(ره) بانی و عامل آن در دوره معاصر بودند در ادامه به چگونگی «اندیشه انقلابی» امام(ره) نیز پرداخته می‌شود.

ج) اندیشه سیاسی انقلابی: این نوع اندیشه در پی تغییر صددرصد اوضاع است. مینا و هدف آن، عمل به تکلیف الهی در راستای حفظ کشور اسلامی می‌باشد که این ویژگی، شیعی و اسلامی است. اندیشه سیاسی انقلابی، در دوران معاصر و در صدر اسلام نیز به چشم می‌خورد. نخستین بار، پیامبر اسلام(ص) اندیشه سیاسی اسلام را مطرح فرمود. آن حضرت توانست با تکیه بر تعالیم اسلامی، جامعه جاهلی را به جامعه‌ای اسلامی تبدیل کند، در مدت زمانی کوتاه نابسامانی‌های مادی و معنوی را از بین برده و برکات مادی و فضایل معنوی به ارمغان بیاورد. حضرت علی(ع) در توصیف این وضعیت می‌فرماید:

«ان الله بعث محمداً صلى الله عليه وآله وسلم نذيراً للعالمين و اميناً على التنزيل و انتم معشر العرب على التنزيل و انتم معشر العرب على شر دين و في شر دار منيخون بين حجارة خشن و حيات صم تشربون الكدر و تاكلون الجشب و تسفكون دماًكم و تقطعون ارحامكم، الاصنام فيكم منصوبة و الاثام بكم معصوبة.

خداوند متعال محمد(ص) را تبلیغ کننده بر عالمیان و امین برای فرستادن قرآن و رسالت مبعوث کرد و در آن حال شما گروه عرب، دارای بدترین دین بودید و در بدترین جامعه زندگی می‌کردید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای کر زندگی می‌کردید، آب‌های تیره می‌آشامیدید و غذای خشن می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان خود قطع رابطه می‌کردید، بت‌ها در میان شما (برای پرستش) نصب شده [بود] و گناهان و انحراف‌ها سخت به شما بسته بود.»⁴



اندیشه سیاسی امام(ره) از مهمترین اندیشه‌های انقلابی --- اسلامی است که در دوره معاصر مطرح شده و به انجام رسیده است. اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از «اندیشه اصلاحی» به «اندیشه انقلابی» به تحولی تدریجی دچار گردید و این، همان نقطه قوتی است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی «اجتهاد» شکل گرفته است. امام(ره) با همه درک عمیقی که از اندیشه اصلاحی داشت، آن را برای وضعیت معاصر مناسب ندید. وی با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در جامعه و سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل، به ارایه راه‌حل‌ها و درمان این مجموعه پرداخت و با تشکیل جمهوری اسلامی موفق شد راه را برای آفت زدایی از مجموعه کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز نماید.

امام خمینی(ره) در بیشتر نوشته‌ها و سخنرانی‌های خویش، نظام‌های سیاسی گذشته و حال دنیا، به ویژه جهان اسلام را آسیب‌شناسی کرده‌اند. آسیب‌شناسی نظام سیاسی خلافت، اعم از خلفای نخستین، بنی‌امیه، بنی‌عباس و عثمانی‌ها، آسیب‌شناسی نظام سیاسی سلطنت، خاصه سلطنت صفوی، قاجار و پهلوی، آسیب‌شناسی نظام جمهوری اسلامی ایران، آسیب‌شناسی نظام‌های سیاسی حاکم بر دنیای امروز و آسیب‌شناسی نظام روابط بین‌الملل و اصول حاکم که بر آن قصد داریم تا در این مقاله به اندکی از مباحث مذکور بپردازیم. به منظور فراهم شدن امکان فهم اندیشه امام(ره)، آسیب‌شناسی نظام سیاسی -- سلطنتی پهلوی را بررسی خواهیم کرد و بر این اساس آسیب‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، دینی، اداری و نظامی نیز مورد تامل قرار خواهند گرفت. و در ادامه تحلیل آسیب‌شناسی نظام سیاسی -- سلطنتی صفویه از دیدگاه محقق سبزواری⁵ به عنوان یک عالم اصلاح‌طلب را خواهیم داشت که مقایسه آن با دیدگاه امام(ره)، براساس تعیین نقاط اشتراک و افتراق و همچنین تحلیل علت اختلاف این دو دیدگاه، کمک شایانی به فهم اندیشه انقلابی امام(ره) خواهد کرد. از این رو، به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهیم.

آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، دینی، اخلاقی و اداری‌ای که سبب سقوط سلسله صفویه شد، چه بود؟ محقق سبزواری این آسیب‌ها را چگونه تحلیل کرده و در تحلیل خود تا چه حد واقع‌بین بوده است؟ سبزواری برای جلوگیری از سقوط سلسله صفویه، چه راه‌هایی به شاه عباس دوم پیشنهاد می‌کند؟ اندیشه سبزواری اصلاحی است یا انقلابی؟ آسیب‌های سیاسی، اقتصادی، دینی، فرهنگی، اخلاقی، نظامی و اداری‌ای که موجب سقوط سلسله پهلوی شد، چه بود؟ امام خمینی(ره) این آسیب‌ها را چگونه تحلیل کرده است؟ راه‌حل امام(ره) برای اصلاح آفت‌های رژیم پهلوی اصلاحی بود یا انقلابی؟ برای پاسخ دادن به پرسش‌های مذکور، فرضیات زیر را مطرح می‌کنیم:

1. اندیشه سیاسی محقق سبزواری با توجه به نوع آسیب‌هایی که رژیم سلطنتی صفویه با آنها روبه‌رو بوده، اندیشه‌ای «اصلاحی» است.

2. چون اندیشه سیاسی سبزواری اصلاحی می‌باشد بنابراین پیشنهادها و نیز در جهت اصلاح رفتار شخص شاه، سیستم اداری مملکت، وضعیت دینی و در نتیجه اصلاح درونی سیستم است.

3. اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، با توجه به نوع آسیب‌هایی که رژیم پهلوی با آنها روبه‌رو بوده، انقلابی است.

4. پیشنهادها و امام(ره) نیز انقلابی است؛ یعنی برای اصلاح سیستم سیاسی، پیشنهاد تخریب آن و پایه‌گذاری نظام سیاسی مورد نظر خود را می‌دهد.

5. تفاوت اساسی شرایط عصر سبزواری و امام خمینی(ره)، در مستقل یا وابسته بودن نظام‌های سیاسی حاکم بر آن و دینی یا غیردینی بودن آنهاست. چون نظام سیاسی صفویه مستقل و به ظاهر طرفدار دین و علمای دین بوده، اندیشه محقق سبزواری اصلاحی می‌باشد و از آنجا که رژیم پهلوی وابسته به بیگانگان و غیردینی بوده، اندیشه امام(ره) انقلابی می‌نماید. به نظر نگارنده «گفتمان اصلاح» در دوره‌های مختلف به ویژه دوره صفویه، قاجاریه و نهضت مشروطه گفتمان اندیشه حاکم بر اندیشه علمای شیعه، است. اندیشه نائینی اندیشه‌ای اصلاح‌طلبانه بوده اما اندیشه‌های مطرح شده در دوره پهلوی، به‌خصوص از اواخر دهه چهل در قالب «گفتمان انقلاب» قابل تحلیل می‌باشد.

منبع اصلی ما برای بررسی آرای سبزواری، «روضة الانوار عباسی» است. مشخصات نسخه‌های مورد استفاده عبارتند از: نسخه خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره 3896، نسخه چاپ سنگی دارالخلافه تهران به سال 1358 قمری و نسخه‌ای که این جانب احیا و تصحیح کرده‌ام و در مرکز تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات موجود می‌باشد. برای بررسی افکار امام خمینی(ره) به نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و نامه‌های ایشان مراجعه شده است. در برخی موارد نیز به آثار دیگری رجوع کرده‌ایم که همه در پاورقی‌ها ذکر گردیده‌اند.

در پایان این مقدمه لازم به یادآوری است که این مباحث ما را به آسیب‌شناسی نظام جمهوری اسلامی رهنمون می‌کند. نخستین گام قدم انحطاط، آن است که گمان کنیم هیچ آفتی متوجه ما نیست. با این امید که طبق فرمایشات امام(ره) آسیب‌شناسی نظام جمهوری اسلامی مد نظر تحقیقات دیگری از این دست قرار گیرد و در خدمت بقای نظام قرار گیرد.

آسیب‌شناسی نظام سلطنتی صفویه از نگاه محقق سبزواری

اصلاح‌گری، دغدغه اصلی سبزواری به شمار می‌رود. هر انسان مصلحی بیش از هر چیز، به انحطاط و راههای خروج از آن می‌اندیشد. در این بخش به راهکارهای سبزواری برای حفظ دولت صفوی خواهیم پرداخت.

برای این منظور دو راه پیش رو داریم:

نخست: بررسی هدف اصلی از تدوین کتاب روضة الانوار عباسی

و دیگری: بررسی محتوای آن

راه اول : روضة الانوار عباسی از یک مقدمه و دو قسم تشکیل شده است. در توضیح مطالب مقدمه چنین آمده است:

«مقدمه در بیان حکمت و تدبیر الهی در وجود پادشاهان و فوایدی که بر آن مترتب می‌شود و ذکر آن که دوام و ثبات ملک و پادشاهی چیست و تفصیل بعضی از اسباب زوال و اختلال ملک تا مباشر امور سلطنت، اسباب بقا و ثبات دولت را ملتزم باشد و از دواعی زوال، احتراز لازم داند».

در ابتدای قسم اول کتاب و در توضیح مطالب و محتوای آن چنین می‌خوانیم:

«قسم اول در آنچه بر پادشاهان جهت رستگاری و نجات آخرت و ربط به جناب احدیت لازم است تا تحصیل آن موجب ثواب و رفع درجات و نجات از عذاب و انتقام الهی بوده باشد و امور مذکوره به حسب دنیا نیز، موجب انتظام امور ملک و دوام ایام سلطنت است و اهمال آن موجب اختلال امور ملک و دین».



و در آغاز قسم دوم چنین آمده است:

«قسم دوم در مراعات قواعد و آدابی که پادشاه را در امور ملک و ضبط مراتب سلطنت و حفظ معاهد دولت و استحکام اساس پادشاهی و تاسیس مراسم جهانداری لازم است، سوای آنچه در قسم اول مذکور شد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، دغدغه اصلی سبزواری، تدوین اصولی است که در دوام و بقای پادشاهی به کار آید و از زوال آن جلوگیری کند. موارد فراوان دیگری نیز در فصل‌های مختلف کتاب وجود دارد که از ذکر آن صرف نظر می‌کنیم.

راه دوم: با بررسی مطالب کتاب و با ارائه یک طبقه‌بندی از آنچه با عنوان اسباب زوال، بقا و اختلال مملکت آمده، می‌توان این مطالب را اثبات نمود.

1- آسیب‌های اقتصادی

اسباب زوال و اختلال مملکت از نظر اقتصادی عبارتند از:

الف) «بخل و خست پادشاه : وقتی پادشاه بخل ورزد طبع‌ها از او رمیده شود و دوستی او از دل‌ها برود و لشکریان به طوع و رغبت جهت او کوشش و جان فشانی نکنند».⁶

ب) «بخشش‌ها و خرج‌های بیجای پادشاه : اگر پادشاه طریقه اسراف و تبذیر پیش گیرد و درآمد به هزینه وفا نکند و این مساله سبب شود که حقوق لشکریان به موقع پرداخت نشود و... باعث شورش سپاه می‌گردد و بالاخره به زوال دولت منتهی می‌شود. و از این قبیل است هر گاه در خزانه مالی نباشد و دشمنی قوی به مملکت شاه حمله کند؛ پس بر پادشاه لازم است که خرج خود را کم کند و بذل بیجا، به جا نیاورد و در آبادانی مملکت بکوشد».⁷

2- آسیب‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی

اسباب زوال و اختلال مملکت از نظر سیاسی، اجتماعی و اخلاقی مشتمل بر این موارد است:

الف) «خرابی مملکت و بی‌سرانجامی و تفرق رعیت»⁸

ب) «اعظم اسباب زوال مملکت، خصومت و عداوت و منازعه میان امرا و خواص پادشاه است، که حکما گفته‌اند: اعظم اسباب بقای ملک توافق احبا و تنازع اعدا است، چرا که در این صورت توان کارگزاران پادشاه مصروف حذف یکدیگر خواهد شد و نه انجام کارهای مملکتی».⁹



ج) «ظلم شاه»: 10 چون ظلم باعث خرابی مملکت می‌شود و خرابی مملکت باعث پراکندگی رعیت می‌گردد و چون ملک و رعیت خراب شود خزانه و لشکر نیز خراب می‌شود، در این صورت کشور در معرض تهاجم دشمنان قاهر و استیلای آنان قرار خواهد گرفت.

د) «ظلم عمال دولت» 11

ه) «تندخویی و درشت گویی پادشاه به ویژه با امرا و خواص»: 12 تندخویی پادشاه با خواص سبب تنفر خواص از پادشاه می‌شود و در نتیجه ممکن است تصمیم به قتل پادشاه بگیرند.

و) «آن است که پادشاه اعمال خیر خویش را در جهت بدی تغییر دهد یا خیرات خود را قطع کند». 13

ز) «آن است که هرگاه معاملات کلی در میان باشد و هنوز فیصل تمام نیافته باشد و اصلاحها و مرمتها جهت انتظام امور در کار باشد، پادشاه تدارک و اصلاح آن مهمات و اتمام امر، چنانچه باید امور را در هم گذاشته، خود از پی شهوتی از شهوتها و یا فراغت از فراغتها رود... عاقل باید تا از جمیع مهمات ملکی فارغ نشود و سرانجام امور چنانکه باید نکند، از پی فراغت و تحصیل شهوت و لذت نرود». 14

ح) «بسیاری اشتغال پادشاه به شرب و لهو و لذات و غفلت از امور ملک» 15

3- آسیب‌های دینی

اسباب زوال و اختلال مملکت از لحاظ دینی به شرح زیر است:

الف) «ترک شکر نعمت‌های الهی: شکر هر نعمت به تناسب آن نعمت است. هر چند نعمت و احسان خدای بر بنده زیاد باشد، شکر بیشتری باید کرد. چون خدای عزوجل را بر پادشاهان انواع نعمت‌های عظیم است، به ازای هر نعمتی از آنها شکری عظیم باید کرد». 16

«شکر نعمت قدرت و استیلا آن است که ضعیفان را تقویت کند و دست تعدی و ظلم اقویا را از ضعفا کوتاه گرداند و دادرسی مظلومان بکند و از ایشان غافل نباشد. تقویت دین حق کند. بدعت‌ها را نابود سازد و تواضع و فروتنی نماید. شکر نعمت اموال، رسیدگی به حال فقرا و مساکین است و...». 17



ب) «غرور و خودبینی»: 18 غرور و خودبینی بدین جهت از عوامل سقوط نظام سیاسی به شمار می‌رود که باعث فراموشی اصل قدرت، یعنی خدا می‌شود که در نهایت به ضعیف شمردن دشمن منتهی و شکست را در پی خواهد داشت.

ج) «آن است که پادشاه در فسوق و معاصی جری باشد و متابعت احکام الهی ننماید و علم طغیان و عصیان برافرازد» 19.

4- آسیب‌های اداری

«تفویض کارها به کسانی که اهل آن کار نباشند، اعم از این که ظالم باشند یا متخصص نباشند (بی‌وقوف باشند) یا امین نباشند و دنی باشند» 20

سبزواری برای احراز مناصب اداری شرایطی را لازم می‌داند که در جای دیگر ذکر خواهد شد.

5- آسیب‌های نظامی

«از دیگر عوامل زوال دولت، بی‌سرانجامی و کمی لشکر است که از مقدار نیاز کمتر باشند، یا آنچه باشند، بی‌سرانجام باشند و مقرری ایشان به ایشان نرسد و یا هزینه‌های ایشان را حقوق ایشان کفایت نکند و یا پادشاه به امور لشکر بی‌اعتنا باشد و [...] و یا سپاهیان از ورزش سپاهی‌گری بیفتند و به شغل‌های دیگر پردازند» 21.

6- اسباب دوام و ثبات مملکت

در اینجا دو راه پیش رو داریم : نخست، اجتناب از اسباب زوال است که اسباب دوام را فراهم می‌آورد و دیگر این که به بیان برخی راهکارهای عملی مورد تاکید سبزواری پردازیم. سبزواری علاوه بر این که اجتناب از عوامل زوال را لازم می‌داند، به ارایه راهکارهای عملی نیز پرداخته است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) «ضرورت وجود نیروی نظامی قوی: از آنجا که آرمیدگی و ثبات، طبیعی و مزاج این جهان نیست و بنای عالم بر تغییر و انقلاب است، شرط عقل نیست که اگر وقتی چند جهان ساکن باشد و از هیچ طرفی شورش و فتنه‌ای نباشد، ملک غافل گردد و در تنظیم امور سپاه و اعداد آن جهت وقت نیاز نکوشد ... چه این خیال، وهمی است ضعیف و موافق قانون

ب) توسعه تجارت در میان بلاد (اعم از داخل و خارج): سبزواری می‌گوید:

«هرگاه سلوک پادشاه و اتباع او با مترددان بر وجه نیکو باشد، تردد مردم از اطراف و جوانب زیاد می‌شود و مردم بسیار در ملک آن پادشاه متوطن می‌شوند و باعث زیادتی معموری ملک می‌گردد [...] و اخبار بیگانگان و دشمنان معلوم و مفهوم می‌گردد [...] و پادشاهانی که دشمنند، دوست می‌شوند [...] شرط تدبیر تجار آن است که پادشاه نسبت به ایشان طریقه معدلت و احسان و نیکوکاری معمول دارد و در اموال و مقرراتی که از ایشان گرفته می‌شود، نهایت تخفیف به جا آورد و آن چه بدعت و بد باشد، زایل گرداند و چنان کند که حسن سلوک پادشاه و عمال دیوان و حکام، نسبت به ایشان معروف و مشهور گردد. و در ضمن این، چندین فایده است [...] از جمله دوام نعمت و بقای دولت. البته شرایطی برای تحقق این امر لازم است، از جمله: وفاداری شاه به تعهدات، تأمین امنیت برای تجار بیگانه هر چند غیرمسلمان باشند و انتصاب نیروهای کاردان و قوی در مناصب اداری و به ویژه در سرحدات.»²³

ج) کاستن پادشاه و هیات حاکمه از اوقات فراغت و التذاذ

د) وجود سیستم اطلاعات قوی و حفاظت از اسرار

ه) داشتن دیپلماسی قوی

و) ضرورت مشورت در امور

ز) وجود امر به معروف و نهی از منکر

ح) عدل²⁴

«پادشاهانی که به صفت عدل آراسته بودند، ایام دولت ایشان ممتد بود.»²⁵

سبزواری ثمة فایده برای عدل پادشاه برشمرده که یکی از آنها معموری و آبادانی مملکت است.

چنان‌که سبزواری خود نیز تأکید دارد که عوامل بقای دولت در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

1. مواردی که به صورت باطنی در حفظ دولت و ملک دخالت دارد، از جمله این که پادشاه در سر و باطن رابطه خود با خدای عزوجل چنان ساخته باشد که خدای عزوجل از او راضی باشد.

2. آنچه به ظاهر در حفظ ملک و دولت دخیل است، عبارتند از:

الف) محافظت رعیت

ب) محافظت خزانه

ج) محافظت لشکر

د) نصب مردم کاردان صاحب کفایت در مناصب اداری، نظامی و...

3. آنچه هم در ظاهر و هم در باطن، برای حفظ دولت و ملک لازم است:

الف) عدل و احسان کردن

ب) دست تعدی ظالمان و ستمکاران را کوتاه کردن²⁶

3. آسیب‌شناسی نظام سیاسی پهلوی از نگاه امام خمینی(ره)

3. 1- آسیب‌های اقتصادی

مهمترین نکته‌های مطرح شده در این بخش عبارتند از:

الف) تحمیل نظام ظالمانه اقتصادی بر مردم به وسیله رژیم پهلوی

ب) جلوگیری از صنعتی شدن صحیح



ج) نابودی زراعت و دامداری و تخریب اقتصادی

د) تبدیل کشور به بازار فروش کالاهای غرب

ه) غارت منابع و اموال کشور

و) عقب مانده نگهداشتن کشور و ملت

به فرازهایی از فرمایشات امام توجه می‌کنیم:

«تمام اقتصاد ما الان خراب است و از هم ریخته است که اگر چنانچه بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سال‌های طولانی با همت همه مردم، نه یک دولت این کار را می‌تواند بکند و نه یک قشر از اقشار مردم این کار را نمی‌تواند بکنند، تا تمام مردم دست به دست هم ندهند، نمی‌توانند این به هم ریختگی اقتصاد را از بین ببرند.»²⁷ «اصلاً برنامه این بوده است که خرابی بکنند. کشاورزی را با اسم اصلاحات ارضی به کلی از بین ببرند و بازار درست کنند برای امریکایی.»²⁸

3. 2- آسیب‌های سیاسی و اجتماعی

از نظر امام، مهمترین ضعف‌های سیاسی و اجتماعی رژیم پهلوی موارد زیر است:

الف) وابسته بودن رژیم پهلوی به قدرت‌های بیگانه، به ویژه آمریکا

ب) استبدادی بودن رژیم پهلوی

ج) سلطنتی بودن رژیم پهلوی

د) ضد دینی بودن رژیم پهلوی



ه) ضد مردمی بودن رژیم پهلوی

«اساس این نهضت [اسلامی] از دو جا سرچشمه گرفت: یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگری‌های خارجی و داخلی و اختناق‌های فوق‌العاده که در ظرف پنجاه و چند سال ایران، ملت ایران یک روز خوش ندید [...] و یکی دیگر، آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل که یک رژیم در مقابل رژیم‌های طاغوتی باشد و ما مسایل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم.»²⁹

3-3- آسیب‌های دینی، اخلاقی و فرهنگی

در فرمایشات حضرت امام(ره) به این بخش، بیش از آفت‌ها و آسیب‌های دیگر توجه شده است. مهمترین نکات مطرح شده در این خصوص عبارتند از:

الف) تبلیغ جدایی دین از سیاست

ب) تبلیغ ضد اسلام

ج) دعوت به غیراسلام و ارایه مکاتب پوشالی و فریبده

د) از خود باختگی و ناامیدی

ه) دور کردن جامعه از معنویات

و) تباهی نسل جوان

ز) ترویج فساد از طریق رسانه‌ها

ح) گسترش مراکز فساد

ط) تخریب قوه تفکر

ی) کشف حجاب



به بخشی از سخنان امام در این باره توجه کنیم:

«الان این مظاهر تمدنی که در جاهای دیگر، در ممالک پیشرفته از آنها استفاده‌های صحیح می‌شود، وقتی که آمده است در مملکت ما یا مملکت‌های شبیه به مملکت ما، استفاده‌هایی که از اینها می‌شود، استفاده‌های فاسد می‌شود. مثلاً سینما، ممکن است که کسی در سینما نمایش‌هایی که می‌دهد نمایش‌های اخلاقی باشد، نمایش‌های آموزنده باشد که آن را هیچ‌کس منع نکرده و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوان‌های ما است و اگر چند روز جوان‌های ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا، فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد و اینها می‌خواهند همین بشود [...] تمام برنامه‌هایی که اینها درست کرده‌اند، برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری، هر چه درست کرده‌اند استعماری است. می‌خواهند اینها جوان‌های ما را یک جوان‌هایی بار بیاورند که به درد آنها بخورند، [...] آنقدری که مراکز فساد در تهران هست، الان بیشتر از کتابخانه است، بیشتر از مراکزی است که برای تعلیم و تربیت است.»³⁰

«خرابی‌های اخلاقی که در طول سلطنت این پدر و پسر [رضا خان و پسرش محمدرضا] در ایران تحقق پیدا کرد و آن فسادهایی که در این مملکت پیدا شد و به آن دامن زدند به عنوان ترقی، به عنوان تعالی، به عنوان تمدن بزرگ، اینها طولانی است تا این که ترمیم بشود. آن که از همه چیز به کشور ما صدمه‌اش بیشتر بود، این بود که نیروی انسانی ما را خراب کردند و نگذاشتند رشد بکند.»³¹ «و در آن زمان به اسم این که می‌خواهیم نیمی از جمعیت ایران را فعال کنیم، آن شقی جنایتکار دست به یک جنایت زد و آن کشف حجاب بود و به جای این که نیمی از جمعیت ایران را فعال کند، آن نیم دیگری هم که نیمه مردان بود، به طور بسیاری از فعالیت انداختند.»³²

تلاش برای حذف اسلام و اسلام شناسان، رواج قوانین دولت‌های خارجی بین مسلمانان و نقض قوانین اسلام، هتک قرآن و... از دیگر اقدام‌های ضد دینی رژیم پهلوی بود.

3. 4- آسیب‌های نظامی

خطاهای بزرگ رژیم پهلوی از نظر نظامی که مورد توجه امام(ره) قرار گرفت، عبارتند از:

الف) تبدیل کشور ایران به پایگاه نظامی برای غرب

ب) خرید اسلحه از غرب، بدون رعایت مصالح ملی



«ایران یکی از مراکزی است که آنها می‌خواهند اسلحه داشته باشند [...] پایگاه درست می‌کنند در ایران، برای این که اگر جنگی پیش آمد، داشته باشند این پایگاه را.»³³ «نفت ما را می‌برند، اسلحه برای خودشان می‌آورند اینجا، می‌آورند ایران، پایگاه درست می‌کنند.»³⁴ «من نمی‌دانم مقصود از خریدن این همه اسلحه برای بیرون راندن اربابان و استعمارگرانی است که خود رژیم دست‌نشانده آنها بود [...] یا در حقیقت در راه اجرای نقشه‌های غارتگرانه امریکا است که بر اثر ضعف بودجه اقتصادی و تغییر سیاست مبنی بر نابودی ملل به وسیله نیرو و ثروت خود آنان، می‌خواهد پایگاه خود را در ایران مستحکم‌تر کرده [...]»³⁵

3- 5 اسباب دوام و ثبات مملکت

تفاوت پیشنهادهای سبزواری با پیشنهادهای امام(ره) ناشی از تفاوتی است که بین نظام سیاسی صفوی و نظام سیاسی پهلوی وجود دارد. مهمترین این تفاوت‌ها به شرح زیر هستند:

الف) نظام سیاسی صفوی ادعای دین‌مداری داشت، در حالی که نظام سیاسی پهلوی ضد دین بود. بنابراین، برخلاف حاکمان صفوی که با تظاهر به دینداری و حمایت از تشیع سعی بر تقویت پایه‌های مشروعیت خود داشتند، رژیم پهلوی با اقدام‌ها و اعمال ضد دینی بسیاری که به صورت علنی و آشکار انجام داد، نظیر کشف حجاب، تغییر تاریخ هجری به پادشاهی، برقراری رابطه با اسرائیل، وابسته کردن مملکت به امریکا، دادن پست‌های کلیدی به افراد بهایی و ... بیش از پیش از مشروعیت خود می‌کاست. تبعید امام(ره) به ترکیه در 13 آبان 1343 اوج مخالفت پهلوی با دین‌مداری بود.

ب) پادشاهان صفوی با همه نقاط ضعف خویش به بیگانگان وابسته و حکومتی متکی بر نیروهای محلی و فرهنگ بومی داشتند. اما سلسله پهلوی به دست بیگانگان و با حمایت و پشتیبانی آنان روی کار آمد، نیروهای متفقین به ویژه انگلیس، رضاخان را بر کنار کرده و محمدرضا را به جای او بر تخت نشاندند. در کودتای 28 مرداد 1332 نیز با همکاری سازمان‌های جاسوسی امریکا و انگلیس، محمدرضا پهلوی دوباره بر اریکه قدرت تکیه زد و از سال 1340 به بعد، مجری منویات امریکا در ایران بود. این نکته، از دیگر تفاوت‌های مهم این دو سلسله است. از آن جا که وابستگی سلسله پهلوی با اصل قرآنی «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» منافات داشت، رژیم مشروعی به حساب نمی‌آمد و کسی آنها را نمی‌پذیرفت، بنابراین پیشنهادهای اصلاحی قابل طرح نبودند، هر چند حضرت امام(ره) در آغاز نهضت، پیشنهادهای اصلاحی خود مبنی بر مخالفت با کاپیتولاسیون و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مطرح اما وقتی فضا، شرایط و امکانات را مساعد یافت، دست به اقدام‌های انقلابی و براندازانه زد.

مهمترین پیشنهاد امام(ره) تشکیل حکومت اسلامی به جای نظام سلطنتی بود. «حکومت اسلامی» تنها حکومتی است که آسیب‌ها و آفت‌های گفته شده را ندارد.

امام(ره) با توجه به تفاوت نظام سیاسی پهلوی با نظام‌های سلطنتی پیشین، در پی برپایی حکومت اسلامی بودند. ایشان در جایی می‌فرمایند:

«فریاد ما که می‌گوییم ما حکومت اسلامی می‌خواهیم و مرگ بر این سلطنت کثافت کاری، برای این است که ما می‌بینیم که (خودمان می‌دانیم و هم یک وقت تاریخ می‌خوانیم) سلاطین سابق هر چه بودند، جبار بودند، لکن خیانت در آنها کم بوده، جبار بودند، تبهکار بودند، تعدی می‌کردند به مردم، اما مملکتشان را به یک مملکت دیگری، منافع مملکتشان را به مملکت دیگری نمی‌دادند. من ندیدم که یکی از سلاطین سابق مملکتش را فروخته باشد به یک کسی، منافع مملکتش را تقدیم دیگری کرده باشد، این اخیراً شده و خصوصاً در زمان این آقا، در زمان این سلطان مفسد این مسائل

پیدا شده است که هر چیزی که ما داریم اینها از بین برده‌اند. زندگی خودشان این زندگی است، زندگی شما این است که می‌بینید...» 36 «ما می‌خواهیم حساب صدر اسلام را بکنیم که متن اسلام است، خود اسلام و متن اسلام است. ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم اسلام یک رژیم دمکراسی بوده است یا یک رژیم قلدری و استبدادی بوده؟» 37

آرمان‌های امام خمینی 38 به اختصار عبارتند از:

الف) تشکیل حکومت اسلامی با عنوان «جمهوری اسلامی»

ب) قطع وابستگی به اجانب

ج) حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان

د) کسب استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی

ه) حاکمیت دین و ارزش‌های دینی در جامعه

و) داشتن نیروی نظامی قوی و مستقل، متناسب با مصالح و منافع ملی و جهان اسلام و خطرهایی که کشور را تهدید می‌کند

ز) گماردن افراد شایسته به مناصب کلیدی و غیرکلیدی

ح) ساختن انسان مورد نظر اسلام

ط) برقراری آزادی

به نظر می‌رسد امام خمینی، «قیام‌الله» را یگانه راه اصلاح جهان و «قیام برای منافع شخصی» را علت نهایی بدبختی و تیره‌روزی انسان‌ها، به ویژه مسلمانان و جهان اسلام می‌دانند. این مطلب در نخستین سند مبارزاتی ایشان آمده و بیانگر بینش ژرف امام(ره) است «صحیفه نور» نیز با همین مطلب آغاز می‌شود. تاریخ نگارش این سند به جمادی‌الاول سال 1363 هـ. ق باز می‌گردد. به بخش‌هایی از این نوشته توجه فرمایید:

«قال الله تعالى: قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى و فرادا. خدای تعالی در این کلام شریف، از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواظبت‌انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه، تنها راه اصلاح در جهان است. قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل‌الرحمان را به منزل خلت رسانده [...] قیام‌الله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت

و تاج آنها را به باد فنا داد [...] قیام برای خدا است که خاتم النبیین(ص) را یک تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بت‌ها را از خانه خدا بر انداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت [...] خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روزگار سیاه رسانده، و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرد، [...] قیام برای شخص است که یک نفر مازندران‌بی‌سواد [یعنی رضاخان] را بر یک گروه چند میلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دست‌خوش شهوات خود کند. قیام برای نفع شخصی است که الان هم چند نفر کودک خیابان‌گرد را [اشاره به محمدرضا 22 ساله و رفقاییش] در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. 39

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید علت‌العلل مشکلات، از نظر امام، به خود مردم بازمی‌گردد. در واقع، ریشه مشکلات داخلی است. اگر استعمار بر ما مسلط شد و شاه مستبد ضدین بر ایران مسلط شد، همه و همه برمی‌گردد به این که قیام‌ها برای خدا نیست. قیام صورت می‌گیرد، اما چون برای خدا نیست، شکست می‌خورد.

4. مقایسه دو رویکرد اصلاحی و انقلاب

با تامل در آن چه گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که هر دو متفکر دغدغه ساماندهی و اصلاح وضعیت دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی عصر خویش را داشته‌اند. در واقع، تفکر سیاسی هر دو متفکر، پاسخی به مسائل، معضلات و نیازهای عصرشان بوده است و تفاوت شرایط سبب شده است تا دو نوع پاسخ ارائه شود.

حکومت صفویه حکومتی مستقل و متکی به نیروی بومی و داخلی بوده است و ازطرف دیگر مدعی دین‌داری، حمایت از دین و پیروی از علمای دینی بوده است. همین مساله سبب شده تا تفکر سیاسی سبزواری متوجه اصلاح وضعیت سلطنت و رفتار شخص شاه باشد. می‌دانیم که تفکر سیاسی، به ویژه در گذشته، به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال بوده است که چه کسی حکومت کند؟ ویژگی‌های شخص حاکم چه باید باشد؟

البته سبزواری هیچ گاه به سلطنت پادشاه صفوی مشروعیت نداده، 40 بلکه از موضع حکیمی مجتهد به شاه صفوی دستور انجام اصلاح‌های مورد نظر خویش را می‌دهد، چرا که ایشان معتقد است «خلیفه، مقتدا، امام و متبع باید اعلم باشد» و «بر همه کس واجب است که از مجتهد زنده تقلید نماید». بنابراین، او خود را همان «مجتهد زنده و اعلمی» می‌داند که شاه عباس دوم باید به پیروی و تقلید از او امور مملکت را اداره کند. بعدها، همین تفکر در دوره قاجاریه و در اندیشه سیاسی آیت‌الله نائینی به صورت «دفع افسد به فاسد» تجلی یافت که شایسته است در جای خود مورد تامل قرار گیرد.

حکومت پهلوی، حکومتی وابسته به انگلیس و امریکا بود که با بیشتر نیروهای بومی و داخلی (مردم مسلمان) مخالفت می‌کرد. وابستگی سلسله پهلوی باعث گردید که این حکومت دست به اقدام‌های ضد دینی نیز بزند، به عنوان مثال: کشف حجاب، تبعید و زندانی کردن رهبران دینی مردم و تغییر تاریخ هجری به سلطنتی. از این رو امام خمینی(ره) وارد گفتمان انقلاب شده و طرح تغییر رژیم ایران را مطرح کردند.

شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به همین نکات اشاره دارد. «استقلال» به معنای نفی وابستگی به بیگانگان، «آزادی» به معنای نفی استبداد، دیکتاتوری و رژیم سلطنتی و «جمهوری اسلامی» بیانگر نوع نظامی بود که آرمان‌های ملت ایران را در خود داشت.



آنچه گفته شد به نوعی مورد تایید نظریه نظام جهانی «والرستین» است که باید جداگانه مورد تامل قرار گیرد. به نظر والرستین، ایران عصر صفویه، در ردیف کشورهای مستقل و مرکزی جهان قرار داشت. اما از عصر قاجاریه به بعد به سمت حاشیه و پیرامون حرکت کرد، تا این که در عصر پهلوی در ردیف کشورهای حاشیه‌ای و وابسته به کشورهای مرکز و نیمه حاشیه قرار گرفت. محمدرضا سعی می‌کرد ایران را وارد عرصه نیمه حاشیه‌ای کند، ولی موفق نشد. 41

پی‌نوشت‌ها:

- 1- فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی : سلوک الملوك، به تصحیح و مقدمه محمدعلی‌موحد، صص 82 - 79.
- 2- روح‌الله موسوی خمینی: کشف الاسرار، ص 187 - 186.
- 3- همان، ص 226 - 225.
- 4- نهج‌البلاغه، سید رضی، ترجمه و تفسیر علامه محمدتقی جعفری، ج 5، ص 130 - 129.
- 5- وی از علمای معروف دوره صفویه است. کفایة الاحکام، ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد و روضة الانوار عباسی از آثار مهم او می‌باشند.
- 6- محمدباقر سبزواری مشهور به محقق سبزواری: روضة الانوار عباسی، مقدمه، فصل دوم.
- 7- همان.
- 8- همان.
- 9- همان.
- 10- همان.
- 11- همان.
- 12- همان.
- 13- همان.
- 14- همان.
- 15- همان.
- 16- همان.
- 17- همان.
- 18- همان.
- 19- همان.
- 20- همان.
- 21- همان.
- 22- همان، قسم اول، باب پنجم، فصل اول.
- 23- همان، قسم دوم، باب سوم، فصل چهارم.



24-همان، قسم اول، باب پنجم، فصل اول.

25-همان، مقدمه، فصل دوم.

26-همان.

27-آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی)، ص 160 - 159.

28-همان، ص 160.

29-آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی)، ص 160.

30-آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی)، ص 156 و ر.ک. به: غلامرضا اورعی: اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه.

31-آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی)، ص 159 - 158.

32-همان، ص 159.

33-روح‌الله موسوی خمینی: صحیفه نور، ج 2، ص 133 - 132.

34-روح‌الله موسوی خمینی: صحیفه نور، ج 2، ص 132.

35-همان، ج 1، ص 202.

36-آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی(ره))، ص 360 - 359.

37-همان، ص 360.

38-برای مطالعه بیشتر ر.ک. به نحو: فرمایشات حضرت امام(ره) 2در منابع زیر: 1. آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی(ره))؛ 2. غلامرضا اورعی: اندیشه امام خمینی درباره تغییر جامعه؛ 3. نجف لک‌زایی و منصور میر احمدی: زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران.

39-روح‌الله موسوی خمینی: صحیفه نور، ج 1، ص 3.

40-ر.ک. به: نجف لک‌زایی: اندیشه سیاسی محقق سبزواری، «بحث ساختار نظام سیاسی از نظر محقق سبزواری» (در دست انتشار).

41-ر.ک. به: جان فوران: مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، صص 36 - 21.

در میان عالمان شیعی شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، محقق سبزواری، مرحوم نراقی و علامه نائینی اندیشه‌های سیاسی اصلاحی دارند؛

در شیوه این دسته از علما، تقاضاهایی مبنی بر اجرای احکام در قالب بیانی که نشانگر مصالحه با سلطنت و نه مشروعیت بخشیدن به آن باشد، وجود دارد؛

اگر کسی جزئی اطلاع از اخبار ما داشته باشد، می‌بیند که همیشه امامان شیعه با آن که حکومت‌های زمان خود را حکومت ظالمانه می‌دانستند و با آنها آن‌طورها که می‌دانید سلوک می‌کردند، در راهنمایی برای حفظ کشور اسلامی و در کمک‌های فکری و عملی کوتاهی نمی‌کردند و در جنگ‌های اسلامی در زمان خلیفه جور، باز شیعیان علی(ع) پیش‌قدم بودند. جنگ‌های مهم و فتح‌های شایانی که نصیب لشکر اسلامی شده، مطلعین می‌گویند و تاریخ نشان می‌دهد که یا به دست شیعیان علی(ع) یا به کمک‌های شایان تقدیر آنها بوده.

اندیشه سیاسی ایشان در راه گذر از «اندیشه اصلاحی» به «اندیشه انقلابی» به تحولی تدریجی دچار گردید و این همان نقطه قوتی است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی، یعنی «اجتهاد» شکل گرفته است.

اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، با توجه به نوع آسیب‌هایی که رژیم پهلوی با آنها روبه‌رو بوده، انقلابی است.

پیشنهادهای امام(ره) نیز انقلابی است؛ یعنی برای اصلاح سیستم سیاسی، پیشنهاد تخریب آن و پایه‌گذاری نظام سیاسی مورد نظر خود را می‌دهد.

«گفتمان اصلاح» در دوره‌های مختلف به ویژه دوره صفویه، قاجاریه و نهضت مشروطه تحت‌تأثیر شرایط حاکم بر اندیشه علمای شیعه، است.

سبزواری علاوه بر این که اجتناب از عوامل زوال را لازم می‌داند، به ارایه راهکارهای عملی نیز پرداخته است

<[endif]> «تمام اقتصاد ما الان خراب است و از هم ریخته است که اگر چنانچه بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم،

<[endif]> تا تمام مردم دست به دست هم ندهند، نمی‌توانند این به هم ریختگی اقتصاد را از بین ببرند.

<[endif]> «اساس این نهضت [اسلامی] از دو جا سرچشمه گرفت: یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگری‌های خارجی و داخلی و اختناق‌های فوق‌العاده که در ظرف پنجاه و چند سال ایران، ملت ایران یک روز خوش ندید [...] و یکی دیگر، آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و یک حکومت عدل

تفاوت پیشنهادهای سبزواری با پیشنهادهای امام(ره) ناشی از تفاوتی است که بین نظام سیاسی صفوی و نظام سیاسی پهلوی وجود دارد.

پادشاهان صفوی با همه نقاط ضعف خویش به بیگانگان وابسته و حکومتی متکی بر نیروهای محلی و فرهنگ بومی داشتند. اما سلسله پهلوی به دست بیگانگان و با حمایت و پشتیبانی آنان روی کار آمد،

«ما می‌خواهیم حساب صدر اسلام را بکنیم که متن اسلام است، خود اسلام و متن اسلام است. ببینیم که آیا این حکومت اسلام و این رژیم اسلام یک رژیم دموکراسی بوده است یا یک رژیم قلدری و استبدادی بوده؟»

خودخواهی و ترک قیام برای خدا، ما را به این روزگار سیاه رسانده، و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده.

البته سبزواری هیچ گاه به سلطنت پادشاه صفوی مشروعیت نداده، بلکه از موضع حکیمی مجتهد به شاه صفوی دستور انجام اصلاح‌های مورد نظر خویش را می‌دهد، چرا که ایشان معتقد است «خلیفه، مقتدا، امام و متبع باید اعلم باشد»

بعدها، همین تفکر در دوره قاجاریه و در اندیشه سیاسی آیت‌الله نائینی به صورت «دفع افسد به فاسد» تجلی یافت

ایران عصر صفویه، در ردیف کشورهای مستقل و مرکزی جهان قرار داشت. اما از عصر قاجاریه به بعد به سمت حاشیه و پیرامون حرکت کرد، تا این که در عصر پهلوی در ردیف کشورهای حاشیه‌ای و وابسته به کشورهای مرکز و نیمه حاشیه قرار گرفت.

دوره‌های آموزشی مجازی (<http://mata.ihcs.ac.ir/event/fa/event>)

